

تحولات بیست ساله و فرایند سیاسی شدن روحانیون

روحانیون و تجربه رهبری

با رویکار آمدن نظام کمونیستی در افغانستان در سال ۱۳۵۷، روحانیون در تمام نقاط کشور تحت تعقیب قرار گرفته، بسیاری کشته شدند، عده‌ای زندانی و بسیاری دیگر مجبور به ترک وطن گردیدند. آن عده کمی که در داخل کشور ماندند یا مخفیانه زندگی می‌کردند و یا کم و بیش خود را با سیاستها و خواستهای نظام جدید منطبق ساختند.

قیام مردم افغانستان علیه نظام جدید، علل و عوامل زیادی دارد که در افتادن دولت با روحانیون و سرکوب آنها، یکی از شناخته شده‌ترین عوامل این قیام به شمار می‌آید. با گسترش قیامها با توجه به مذهبی بودن جامعه، روحانیت عملاً و علناً در رأس حرکت قیام کنندگان قرار گرفته و بر موج مهیج احساسات مذهبی مردم تکیه زدند و بیش از بیست سال تحولات مثبت و منفی و حوادث خوشایند و ناخوشایند سیاسی - نظامی و فرهنگی - اجتماعی جامعه هزاره را آفریدند.

سیر سیاسی شدن روحانیون

مبارزه کمونیستها با روحانیت و سپس قیام عمومی بر ضد این نظام، روحانیون را الزاماً در جریان سیاست قرار داده و عملاً و اجباراً آنها را وارد بازیگریها و آفرینشهای سیاسی نمود. تکیه مردم به نیروی معنوی و جاذبه‌های مذهبی این قشر، امتیاز و امتداد رهبری سیاسی و سر رشته‌داری اجتماعی و نظامی را منحصراً در اختیار روحانیون قرار داد.

روحانیون جامعه هزاره، تجربه‌های محدود و کوتاه مدتی از فعالیت و تشکل‌مندی سیاسی در تاریخ افغانستان داشتند، اما قیام مردمی علیه نظام جدید حاکم در کابل و تغییر شکل «قیام» به «جهاد» علیه نیروهای بیگانه، موج سیال و شتابانی از حرکت سیاسی - نظامی در جامعه هزاره ایجاد کرد که روحانیون جامعه به صورت طبیعی و بی‌پرسش، زمام این حرکت مواج را به دست گرفته و هدایتگری و سامان بخشی آن را قبضه نمودند. مشارکت همگانی روحانیون در امور جنگ و جهاد، آنها را در مسیر تازه‌ای از زندگی اجتماعی، اندیشه و تفکر سیاسی و وظایف و نقشهای اجتماعی و طبقاتی قرار داد.

غوطه‌ور شدن روحانیون به سیاست، به تدریج آنها را به «عمل زدگی سیاسی» سوق داده و باعث ترویج و تلقین این باور در آنها شد که شرکت در سیاست و امور سیاسی و مهمتر و بالاتر از آن، رهبری و ولایت سیاسی - اجتماعی «حق» آنان است. در تکوین و تلقین این باور در افکار و اذهان روحانیون جامعه هزاره، انقلاب اسلامی ایران و استقرار یافتن نظام جمهوری اسلامی و حاکمیت «ولایت فقیه» و روحانیون در آن کشور، نقش موثری داشته است. ارتباط سیاسی این روحانیون با نظام ولایت فقیه، تحصیل و تأثیر پذیری از جو و فضای فرهنگی و سیاسی ایران، طلاب و روحانیون هزاره را شدیداً تحت تأثیر قرار داد. تشکیل احزاب متعدد از سوی این قشر نشانه‌ای از این تأثیر پذیری و نیز تلاشی بود در جهت کسب جایگاه سیاسی و تثبیت و تحکیم رهبری اجتماعی برای تحقق حاکمیت روحانیون در نظام سیاسی و اجتماعی کشور افغانستان؛ شبیه آنچه که در ایران اتفاق افتاده بود.

بدون شک یکی از عوامل جنگهای داخلی و تنشها و طپشهای مداوم در میان احزاب سیاسی هزاره، ناشی از همین عامل تعدد «رهبری» روحانیون بوده است. روحانیون کوشیده‌اند سلايق، انگیزه‌ها و باورهای خود را به عنوان ایده‌آلهای سیاسی - دینی و اندیشه‌ها و الگوهای مذهبی - ایدئولوژیک بر جامعه تطبیق و بر سایر حیطه‌های نفوذ و تسلط گروه‌های دیگر بسط و گسترش دهند. همین دریافت و رفتار، موجب بدنگري، تنش و درگیری خانگی در جامعه هزاره گردیده است.

روحانیون این جامعه کوشیده‌اند در این بیست سال بازیگری سیاسی، با سلايق و ساختار ذهنی سنتی، اندیشه‌های سیاسی و دریافتها و آموزه‌های ایدئولوژیک را با

ابزارهای جدیدی مثل «شعار» و «سیاست» بر جامعه شدیداً مذهبی و بسته هزاره بدون در نظر گرفتن شرایط سیاسی و فرهنگی کشور افغانستان، تطبیق کنند. این حرکت، در عمل موجبات پراکندگی سیاسی و فاصله‌های اجتماعی مردم هزاره را فراهم آورد، چرا که، پراکندگی و تفرق اندیشی در هرم رهبری، یعنی در درون دستگاه روحانیت تکوین یافته و سپس در میان جامعه و پیروان و گروندگان سیاسی آنها شیوع و گسترش یافته بود. تبارز و بستر اصلی این پدیده را باید فرایند «سیاسی شدن» روحانیون به شمار آورد.

البته نقش عدم تجربه مدیریتی و سابقه سیاسی روحانیون هزاره را نیز در نکوین و تحمیل پدیده چندگانگی سیاسی و تفرقه‌های اجتماعی نباید نادیده گرفت. تحمل ناپذیری سیاسی، عدم روشن اندیشی نسبت به آینده، عدم درک و تحلیل قضایا و معادلات کلان، ذهنیتهای بسته و سنتی نسبت به مسایل فکری و ایدئولوژیک و عدم گزینش یک الگوی واحد، توافق پذیر و پویای سیاسی - فرهنگی را از جمله پیامدهای علمی و طبیعی عدم تجربه مدیریتی و سیاسی روحانیون باید دانست.

با این وجود، دستاوردهای مثبت و روشنی هم از سیاسی شدن روحانیون می‌توانیم مثال بزنیم. حضور در صحنه‌های سیاسی و آشنایی با امکانات و ابزارهای سیاست، جامعه هزاره را با فاز تازه‌ای از زندگی اجتماعی آشنا ساخت. گرایش به احزاب سیاسی، بستر مناسب و گسترده‌ای بود که روحانیون برای مردم هزاره آماده ساخته بود. گرایش به احزاب سیاسی که با شتابزدگی و تقریباً به صورت همگانی در میان جامعه هزاره نضج گرفت، آنها را به سوی سیاسی شدن و جاذبه‌های سیاست سوق داد. دلبستگی به حزب به تدریج تبدیل به «عصیت سیاسی» در میان گروندگان حزبی گردید. و همین عامل، انگیزه و بهانه نیرومندی فراهم آورد که توده‌های هزاره دائماً در سیر تحول و تطور سیاسی - نظامی در زندگی اجتماعی خود در این بیست ساله اخیر مواجه باشند.

به طور مشخص آثار سیاسی شدن روحانیون را در تأثیرگذاری بر ساختار ذهنی و اجتماعی جامعه هزاره می‌توان در نمادهای ذیل برشمرد:

۱ - شریک شدن در معادلات و محاسبات سیاسی، نظامی و اجتماعی در صحنه ملی افغانستان.

۲ - تثبیت جایگاه ملی و تشخیص هویت سیاسی برای جامعه هزاره در کشور.

۳ - آشنایی با دنیا و راهیابی به اذهان بین‌المللی.

۴ - تجربه سیاستمندی و مدیریت سیاسی.

۵ - سیاسی شدن توده‌های هزاره و مشارکت آنها در فعالیتها و امور سیاسی و ملی.

کسب تجربه مدیریتی و سیاسی و آشنایی عملی با مفاهیم سیاست و بازیگری سیاسی، دستاورد مهم پروسه سیاسی شدن روحانیون بوده است. این پروسه، روحانیون هزاره را وارد زندگی و اندیشه جدید و دریافت نوا از مفاهیم اسلام و مذهب ساخت. مهمتر از

همه، اندیشه و انگیزه مشارکت در ساختار سیاسی و دریافت موقعیت خود و قایل شدن «حقوق سیاسی» و «حقوق ملی» برای جامعه هزاره در ترکیب ملی افغانستان، نشانه‌ای از تکوین و رشد اندیشه سیاسی و توانگری روحی و ذهنی این قشر به شمار است.

قرائت سیاسی از اسلام و مذهب که عمدتاً متأثر از اندیشه روحانیون ایران بود، عامل نوین و مهمی بوده است که روحانیون هزاره را جرأت و جسارت بخشیده تا اسلام و مذهب را وارد زندگی سیاسی و اجتماعی نموده و از آن به عنوان یک پشتوانه روحی در فعالیتهای اجتماعی و حرکتها و آرمانهای سیاسی خویش بهره بگیرند.

اسلام سیاسی و سیاست مذهبی، چارچوبه‌های ذهنی و دریافتها و آموزه‌های مجرد و درونگرایانه و کاملاً معنویت‌گرایانه روحانیون از این مفاهیم را تغییر داد و به آنها انگیزه و توانایی جدیدی بخشید تا با ذهن و دریافت بازتر و اندیشه و عمل سیاسی منعطف‌تر، در صحنه اجتماعی و سیاسی ظاهر شده و به ارائه فعالیتهای، شعارها و مفاهیم تازه سیاسی و اجتماعی همت و حمیت کنند. بدون شک، شعارهای استراتژیک و خواسته‌های اساسی جامعه هزاره که بر محور چند اصل سیاسی: «رسمیت مذهب شیعه»، «مشارکت در ساختار سیاسی و قدرت ملی» و «تأمین عدالت اجتماعی و حقوق انسانی و مدنی» تمرکز یافته است، نشانه آشکاری از سیر سیاسی شدن روحانیون و بالتبع سیاسی شدن جامعه هزاره می‌باشد.

روحانیت در جامعه هزاره قبلاً به عنوان یک نهاد صرفاً مذهبی شناخته شده و در چارچوبه‌های سنتی و مذهبی عمل می‌کرد. جامعه هم فقط با ذهنیت و پنداشته‌های مذهبی به آنها احترام، شأن و تقدس قایل بود. اما سیاسی شدن روحانیون در بیست ساله اخیر، جایگاه و پایگاه آنها را در اذهان و نگرش عامه عوض کرد، اکنون این قشر به عنوان یک «نهاد مذهبی - سیاسی» شناخته می‌شوند و عمل می‌کنند. بالتبع، وظایف اجتماعی و مذهبی آنها نیز تغییر یافته است. وظایف سنتی روحانیون، پاسخگویی به امور مذهبی و معنوی مردم بود، ولی اکنون روحانیون به عنوان یک نهاد سیاسی - اجتماعی عمل می‌کنند. رهبری سیاسی، هدایتگری فکری و اجتماعی، پرداختن به امور قضایی، کیفری، حقوقی، ترتیب و تنظیم مناسبات ملی، تدارک جنگ و صلح، تبلیغ و تلقین افکار، اندیشه و شعارهای جدید، ارتباط با دنیای خارج، گرفتن مالیات از مردم و دست زدن به مسایل اقتصادی، دنیایی و مادی از جمله وظایف و کارکردهای جدید نهاد روحانیت محسوب می‌گردد.

روحانیون و تغییر موقعیتهای اجتماعی:

سیاسی شدن روحانیون، علیرغم بازتابهای مثبت سیاسی - اجتماعی‌ای که داشته از لحاظ

پایگاه معنوی، آنها را دچار نوسانات عدیده اجتماعی نیز نموده است. خارج شدن از حوزه صرفاً مذهبی و سنتی، روحانیون را در دایره گسترده‌ای از تجارب نوآندیشی مذهبی و دنیا خواهی فزاینده قرار داده است. نتیجه طبیعی این امر کاهش عواطف عامه مردم نسبت به نهاد روحانیت بوده است. تصور عامه مردم اکنون از نهاد روحانیت این است که روحانیت «بر آنهاست» نه «از آنها».

ایجاد چند دستگی‌های سیاسی و اجتماعی در میان جامعه هزاره، در واقع ناشی از وجود اختلافات شدید و آشتی ناپذیر در بین رهبران گروه‌ها و احزاب بوده است. از آنجا که ۹۹ درصد از رهبران احزاب جامع هزاره را روحانیون تشکیل می‌داد، اختلافات و چالش‌های منتد این گروه‌ها، نتیجه رفتارها، موضع‌گیریها و شعارها و سیاستهای رهبران روحانی بوده است.

اختلاف سلیقه‌ها، تضاد دیدگاه‌های سیاسی و تفاوت در گرایشهای فکری و ایدئولوژیک، اختلاف در شعارها و آرزوهای سیاسی رهبران احزاب، منجر به تنش و چالش در میان پیروان حزبی آنها می‌گردید. تشدید و گسترش این گونه تنشها به تدریج در میان هواداران و گروندگان احزاب اشاعه می‌یافت. روند شتابنده و غیر قابل مهار این موج به صورت «تعصب حزبی» و سیاسی در تمام جامعه ترویج و تعمیم پیدا می‌کرد که شدت این سیر و صعود اغلب به صورت درگیری‌های نظامی و کینه‌تورزیهای مداوم اجتماعی تبارز یافته است.

این برآیند، سبب اصلی به وجود آمدن فضای بیگانگی میان توده‌ها و نهاد روحانیت بوده است. در جامعه مذهبی هزاره، رابطه مردم با نهاد روحانیت پیوند نزدیک روحی، معنوی و پر از اعتماد و اطمینان است. یک روحانی، امین‌ترین فرد و محترم‌ترین عنصر معنوی می‌باشد که هزاره‌ها در جزئی‌ترین و پنهان‌ترین رازها و نیازهای مذهبی، خصوصی، خانوادگی و اجتماعی خویش به او مراجعه می‌کنند. توده‌های مذهبی، ملا و روحانی را در همه امور اجتماعی و زندگی خود پناهگاه امین و حلال معتمد و رازدار می‌دانند، به همین دلیل است که نهاد روحانیت، نهاد دیرپا، تأثیرگذار و مقدس و مورد اعتماد در جامعه هزاره بوده است. اما سیاسی شدن روحانیت و تغییر وظایف و کارکردهای آنها به طور چشمگیری از صمیمیت، اعتماد و جنبه تقدس‌گری آنان در نظر توده‌ها کاسته است. و این، ریشه در رفتارهای دور از شأن و شوکتی دارد که روحانیون در مسایل اجتماعی و سیاسی از خود نشان داده‌اند.

رهبری و ایجاد مراکز قدرت و حاکمیت‌های محلی توسط روحانیون در مناطق مختلف هزاره‌جات، زمینه اعمال و سیاستهای نظامی و مطلقه را برای آنها فراهم آورد. تبدیل شدن سیطره معنوی روحانیت به سلطه و حاکمیت اقتدارگرا و گاه خشن سیاسی و نظامی که فشارهای اجتماعی و فیزیکی آن مستقیماً بر دوش توده‌ها سنگینی می‌کرد،

جامعه مذهبی هزاره را عملاً و روحاً از روحانیون دور ساخت. فاصله عاطفی، روحی و معنوی روحانیون با توده‌ها از یک سو و برخی اعمال و رفتارهای آنها نظیر دنیا خواهی، فشارهای نظامی بر مردم، قضاوتها و فیصله‌های شرعی جانبدارانه، اجرای حدود، حرمت شکنی افراد، برخورد غیر صمیمی و سلطه طلبانه با مردم، کشتن مخالفین، تعدد زوجات و اعمالی دور از شأن مقام مذهبی و سنتی روحانیت، اعتقاد و اعتماد سنتی توده‌های معتقد و مذهبی را نسبت به آنها کم‌رنگ ساخته است. به همین دلیل است که روحانیون، دیگر از آن احترام عمیق و جایگاه معنوی و قداست مذهبی گذشته در میان مردم برخوردار نیستند و حتی نوعی بدنگری، بی‌احترامی و بی‌اعتمادی نیز در میان بسیاری از توده‌ها نسبت به آنها رواج پیدا کرده است. روحیه آسایش طلبی و رفاه زدگی برای روحانیون عامل دیگری بوده که آنها را از مردم، متفاوت و دور ساخته است. قرار گرفتن در هرم قدرت سیاسی، دسترسی روحانیون را به امکانات و منابع اقتصادی تسهیل نمود، برخورداری از امکانات و قدرت سیاسی، نوعی مردم‌گریزی و دوری از وضعیت عامه مردم را بر آنها ایجاد کرد. جدا افتادگی از مردم و تبدیل شدن نهاد روحانیت به یک «طبقه اجتماعی» موجب شکاف و فاصله بین این نهاد و مردم گردید. پدید آمدن چنین حالتی، به صورت طبیعی، روحانیون را از «متن جامعه» به «رأس جامعه» قرار داده است، امری که به تدریج به گسستگی علایق و احترام مردم نسبت به جامعه روحانیت انجامیده است.

شهید مزاری و اعمار موقعیت روحانیت:

رهبری استاد مزاری گرچه در ابتدا یک رهبری تشکیلاتی و حزبی بود، اما ویژگی‌های شخصیتی، فکری و خصوصیات روحی و معنوی او، به زودی وی را به عنوان «رهبر اجتماعی» تبلور بخشید. شهید مزاری یک روحانی بود، اما ویژگی‌های مدیریتی و رهبری او به کلی با آنچه که در رهبران روحانی سایر احزاب و گروه‌ها سراغ داریم، متفاوت می‌نمود. تقوا، تعهد نسبت به مردم، ایمان استوار، ساده زیستی و صداقت در گفتار و رفتار و مهمتر از همه طرح آرمانها و فریادهای عدالت طلبانه و آزادخواهانه، از ویژگی‌های برجسته و ممتازی بود که وی را به زودی به رهبر اجتماعی و روحانی جامعه هزاره ارتقا داد.

رابطه و احساس نزدیکی او با توده‌ها، عشق سبزی را در دل انسانهای محروم کاشته بود. مردم هزاره او را تبلور آرمانها و خواسته‌ها و تجسم ارزشهای انسانی و مذهبی خویش می‌دانستند. تصویری را که او از وجهه و شخصیت مذهبی، اجتماعی و معنوی یک روحانی ارائه داد، جامعه را به سوی تغییر ذهنیتهای مغشوش که نسبت به روحانیون

به وجود آمده بود، سوق داد. بارهبری مردم مدار، مذهب گزین و عدالتخواه خود ثابت کرد که یک روحانی می تواند «از مردم» باشد و «برای مردم» قدرت، حیثیت و اقتدار سیاسی خلق کند.

جدول گروه‌ها و احزاب سیاسی‌ای که توسط روحانیون تأسیس و رهبری شده‌اند

ردیف	نام حزب	خاستگاه قومی-مذهبی	سیستم رهبری	نام رهبر و رهبران	تحصیلات رهبران
۱	سازمان نصر افغانستان	هزاره - شیعه	شورایی	عبدالمعلی مزاری، کریم خلیلی قریب‌المعلی عرفانی میرحسین صادقی عزیز الله شفق سید عباس حکیمی سیدحسین حسینی غلام حسین ناطقی یوسف واعظی محمد ناطقی	حوزوی
۲	پاسداران جهاد اسلامی	هزاره - شیعه	شورایی	محمدحسین صادقی نیلی محمد اکبری ضامنعلی محقق علیجان زاهدی تور احمد تقدسی	حوزوی
۳	شورای انقلابی اتفاق اسلامی	هزاره - شیعه	فردی	سیدعلی بهشتی	حوزوی
۴	حرکت اسلامی افغانستان	هزاره - شیعه	فردی	آصف محسنی	حوزوی
۵	جبهه متحد	هزاره - شیعه	شورایی	سید مصباح شیخ باقر سلطانی سیدحسین عالمی بلخی، محمدی و...	حوزوی
۶	نهضت اسلامی افغانستان	هزاره - شیعه	شورایی	علی اقتخاری یوسف زکی سیدصفدر احسانی محمداسحاق اخلاقی اخلاقی دامرده علی رحیمی عبدالله فخر	حوزوی

ردیف	نام حزب	خاستگاه قومی-حذیبی	سیستم رهبری	نام رهبر و رهبران	تحصیلات رهبران
۷	سازمان نیروی اسلامی	هزاره - شیعه	شورایی	سید ظاهر محقق سید میر حسین نصیحی سید محمد سنگجاری شیخ عوضعلی نبی زاده	حوزوی
۸	سازمان نیروی انقلاب اسلامی	هزاره، شیعه	شورایی	کریمی و...	حوزوی
۹	جنبش اسلامی مستضعفین	هزاره - شیعه	فردی	عبدالحسین اخلاقی	حوزوی
۱۰	جنبش اسلامی افغانستان	هزاره - شیعه	فردی	عاقلی	حوزوی
۱۱	روحانیت جوان (رجا)	هزاره - شیعه	فردی	شیخزاده خزاعی	حوزوی
۱۲	کانون مهاجر	هزاره - شیعه	شورایی	سید عسکر موسوی فاسمعلی رحمانی سید حمیدالله جعفری سید حسین موحد بلخی و رنجبر ←	حوزوی غیرحوزوی
۱۳	حزب دعوت	هزاره - شیعه	شورایی	شیخ حسین (شیخزاده) رمضانعلی محقق افشار نوراحمد تقدسی	حوزوی
۱۴	حزب رعد	هزاره - شیعه	شورایی	سید روح الله بلخایی سید حجت فاضلی محقق سرپلی سید جعفر فاضلی غلامسخی مصباح برائعلی برائعلی جبرئیلی و ثوق شیخزاده غزنوی سعادتملوک تابش عبدالحق شفق {	حوزوی غیرحوزوی
۱۵	دعوت اتحاد	هزاره - شیعه	شورایی	امین وحیدی شیخزاده رمضانعلی محقق افشار عبدالله جعفری	حوزوی
۱۶	فلاح اسلامی	هزاره - شیعه	شورایی	صمدی محمدابراهیم بابہ محمدحسین ستیز سکندر قیام	حوزوی غیرحوزوی

ردیف	نام حزب	خاستگاه قومی مذهبی	سیستم رهبری	نام رهبر و رهبران	تحصیلات رهبران
۱۷	طلوع حق	هزاره - شیعه	شورایی	شیخزاده رمضانعلی محقق افشار امین وحیدی	حوزوی
۱۸	حزب اسلامی رعد	هزاره - شیعه	فردی	شیخزاده خزاعی	حوزوی
۱۹	فاما	هزاره - شیعه	شورایی	رضایی سرپلی، زکی	حوزوی
۲۰	حزب وحدت اسلامی	هزاره - شیعه	فردی	عبدالعلی مزاری محمد کریم خلیلی	حوزوی
۲۱	حزب وحدت (جناح اکبری)	هزاره - شیعه	فردی	محمد اکبری مهدوی شهرستانی	حوزوی
۲۲	شورای فرهنگی اسلامی افغانستان	هزاره - شیعه	شورایی	فصیحی بهود محسنی بهود عباسی فرجستانی مدیر رستم علی	حوزوی غیر حوزوی
۲۳	شورای ائتلاف اسلامی افغانستان	هزاره - شیعه	شورایی	کریم خلیلی افتخاری علیجان زاهدی عالمی بلخی محقق زاده قاری احمد، جاوید و رمضانعلی محقق افشار	حوزوی

منبع: شناسنامه احزاب و جریانات سیاسی افغانستان، تألیف بهصیر احمد دولت آبادی، قم، ۱۳۷۱

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی